

بررسی تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش

رمضان زمانی

ادبیر آموزش و پرورش فارس- شهرستان لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، ایران

ramzyzamaneh@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: تربیت در جریان زندگی انسان، نقشی مهم و اساسی دارد. هرکس به نحوی از آن برخوردار است و کم و بیش، از ویژگی های آن آگاهی دارد. هدف بررسی تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش است. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش آغاز تربیت انسان، از بدو تولد است. او را تربیت می کنند تا زندگی کند و تا وقتی که زنده است، به تربیت نیاز دارد. هر نوع اقدامات متوالی برنامه ریزی شده ای که نگرش انسانی داشته، هدف آن یادگیری و فهم فراگیران باشد، تعلیم و تربیت تلقی می شود. نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که آموزش و پرورش عبارت است از تجدید بنا یا سازماندهی مجدد تجربه به طوری که به معنای تجربه بیفزاید و توانایی هدایت جریان تجربه بعدی را افزایش دهد.

کلیدواژه ها: آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، برنامه ریزی، سازماندهی.

۱- مقدمه

یکی از واقعیت‌های مهم هستی وجود تنوع در میان پدیده‌های عالم است. نه تنها گونه‌های مختلف جانداران و گیاهان باهم فرق دارند. بلکه اعضای هرگونه نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. انسان‌ها نیز مشمول همین قاعده‌اند. دانش‌آموزان از لحاظ توانایی‌های ذهنی، روش‌های آموختن، سبک و سرعت یادگیری، آمادگی و علاقه و انگیزش نسبت به کسب دانش و انجام فعالیت‌های تحصیلی باهم تفاوت دارند. [۱]. اهمیت ارتباط تربیت، آموزش و یادگیری با انسان به اندازه ای است که آن را «اشرف صناعات» و پربهاترین دستاورد آدمی قلمداد کرده و انسانیت انسان را مرهون آن دانسته‌اند. آنچه به حقیقت معرف آدمی است همانا، بنیانگذاری تعلیم و تربیت است. [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

تعریف آموزش و پرورش

«آموزش و پرورش» یا «تعلیم و تربیت» (به انگلیسی: education) دارای مفهوم و کاربردی گسترده و پیچیده، و در نتیجه مبهم است. در تعریف این مفهوم، نه تنها میان مردم عادی، بلکه میان صاحب نظران تعلیم و تربیت هم اختلاف نظر وجود دارد. همچنین مفاهیمی مانند سوادآموزی، کارآموزی، بارآوردن، پروردن، تأدیب، اجتماعی کردن، و ... نیز جزئی از «آموزش و پرورش» محسوب می‌شوند یا با آن همپوشی دارند. تاکنون تعریف واحد یا جامع و مانعی از «آموزش و پرورش» به دست نیامده است و اهل نظر، هر یک بر پایه تفکرات و تجربیات خود، تعریفی ارائه داده اند [۳]

اندیشمندان مختلف از جمله سعدی، مولوی، سهروردی، سقراط، ژان ژاک روسو، ... در قالب کلمات مختلف «آموزش و پرورش» یا «تعلیم و تربیت» را تعریف کردند. آموزش انتقال مفاهیم بیرونی به فرد و پرورش رو به رشد استعدادهای درونی فرد تعریف کرد. به نحوی آموزش به دنبال تغییر فرد براساس مفاهیم کاربردی و شناخته شده است. پرورش بیشتر به دنبال یافتن و شکوفائی استعدادهای موجود در فرد برای استفاده شخصیتی، اجتماعی و کاربردی است [۴]

آموزش: انتقال اطلاعاتی است که فرد پیش از آنها را نمی دانسته است و کسب آن به روش های تجربه و آزمون و خطا یا ممکن نیست یا بسیار باعث متضرر شدن فرد می شود [۵].

پرورش: انتقال اطلاعاتی است به فرد که پیش از این نیز آنها را می دانسته ولی در مرکز توجه او نبوده و روی آنها سرمایه گذاری نمی کرده است [۶].

آموزش: فرآیندی است که طی آن دانسته های فرد افزایش می یابد [۷].

پرورش: فرآیندی است که طی آن شناخت فرد از توانایی خود رشد یافته و قدرت استفاده از این توانایی هارا پیدا می

کند [۸]

آموزش معادل کلمه‌ی انگلیسی Education و پرورش معادل کلمه‌ی انگلیسی Training است [۹]. باتوجه به این واژه می توان گفت :

- آموزش یعنی توسعه‌ی دانش، و پرورش یعنی توسعه‌ی مهارت و با تجربه مرتبط است [۱۰].
- آموزش، یادگیری سیستماتیک است که در بلندمدت رخ می دهد، در حالی که پرورش روشی برای توسعه مهارت است که در کوتاه مدت اتفاق می افتد [۱۱]
- آموزش بر اساس انتقال دانش تئوری ممکن می شود و پرورش بر اساس کاربردهای عملی.
- پرسپکتیو آموزش وسیع و چشم انداز پرورش مشخص و محدود است [۱۲].
- آموزش افراد را برای کارهای آینده آماده می کند، در حالی که پرورش افراد را برای فعالیت کنونی آماده می کند.
- هدف آموزش ایجاد توانایی استدلال و قضاوت در یک حوزه است، در حالی که هدف پرورش افزایش بازدهی و اجراست [۱۳].

- در آموزش مفاهیم عمومی به افراد منتقل می شود و در پرورش ماموریت و وظیفه‌ی مشخص.

- برای پرورش مهارت افراد، ابتدا لازم است دانش مرتبط با مهارت به ایشان منتقل شود. یعنی هیچ پرورشی بدون آموزش ممکن نیست [۱۴]

آموزش و پرورش تعاریف گوناگونی دارد. گوناگونی این تعاریف اغلب ناشی از پیچیدگی و چند وجهی بودن امر آموزش و پرورش است. گاهی «فراگرد کسب علم و معرفت» و در مواردی، نتیجه چنین فراگردی را «آموزش و پرورش» می گویند. گاهی هم در تعریف آموزش و پرورش به هر دو جنبه فوق توجه می شود [۱۵]. ژان ژاک روسو^۱ (۱۷۱۲-۱۷۷۸)، آموزش و پرورش را به یک کشتی تشبیه کرده است که نجات بشر را از طوفان ممکن می سازد. او آموزش و پرورش را اساس ساخت جامعه سالم قلمداد می کند که می تواند زمینه دستیابی هر فرد را به آزادی مستقل فراهم آورد [۱۶] از آن جایی که انسان در خلاء زندگی نمی کند، بلکه عوامل و عناصر متعددی همچون: اشیاء، انسان های دیگر، محیط طبیعی و اجتماعی او را محصور کرده اند و او در ارتباط با این عناصر، قادر به رفع نیازهای اجتماعی خویش است، به همین دلیل در این روندها، پدیده ها و نهادهای اجتماعی به وجود می آیند که زندگی اجتماعی انسان ها پیوسته در ارتباط با این نهادها می باشد. آموزش و پرورش یکی از این پدیده ها و نهادهاست که با ماهیت انسانی، تکوین شخصیت فرد و زندگی اجتماعی او رابطه مستقیم دارد و با هرگونه تحرک اجتماعی و تغییر اجتماعی در تعامل است. همچنین آموزش و پرورش نهادی است که در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی عمل می کند. از آن جایی که کار جامعه شناسی مطالعه نهادهای اجتماعی و چگونگی پیدایش و سیر تکوینی آنهاست، به همین دلیل جامعه شناسی به مطالعه نهاد آموزش و پرورش نیز می پردازد که تحت عنوان «جامعه شناسی آموزش و پرورش» از آن نام برده می شود و هانری ژان^۲ آن را «مطالعه نهادها و روابط اجتماعی مرتبط با آموزش و پرورش» عنوان کرده است [۱۷] هدف جامعه شناسی آموزش و پرورش، مطالعه پدیده آموزش و پرورش، نحوه تشکیل و سازمان پذیری و کارکردهای عمومی آن در زندگی اجتماعی می باشد [۱۸]. از نهادهایی که با آموزش و پرورش رابطه ای ناگسستنی دارند می توان از دین، خانواده، سیاست، اقتصاد، هنر، وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی نام برد. آموزش و پرورش در معنای وسیع خود در برگیرنده تعلیمات در تشکیلات است و در معنای خاص خود محدود به مسائلی در زمینه مدارس و آموزشگاه هاست. در حقیقت «آموزش» و «پرورش» دو روی یک سکه هستند. به این معنا که وقتی کودک مراحل تکوینی شخصیت خود را طی می کند، در ارتباط با خانواده یا سایر گروه های اولیه «آموزش» می بیند که چگونه رفتاری باید داشته باشد و در مرحله بعدی که به مدرسه راه پیدا می کند و در عین حال تحت آموزش رسمی قرار می گیرد، تربیت نیز می شود، یعنی به عبارتی

¹ Jeanjacques Russeau

² Hanery Janne

«پرورش» می یابد [۱۹]. جان دیویی^۱ در کتاب «مقدمه ای بر فلسفه آموزش و پرورش» می نویسد: «دوره آموزش و پرورش به منزله مقدمه زندگانی فرد نیست، بلکه عین زندگانی است و معلم حق ندارد در دوره آموزش، کودک را از مقتضیات سنی خود محروم سازد و او را به کسب اموری وادار کند که از حوصله و احتیاج های موجود او بیرون است. یعنی در عین حال که کسی را برای زندگانی فردا آماده می کنیم نباید زندگی امروزه او را فدای فردایش کنیم [۲۰]

موضوع تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت، به هر شکل که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجادویژگی ها و خصوصیات است که در مرتبه به عنوان یک انسان صورت می گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است. لازمه ی تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعداد های انسان است، و به گفته ی بعضی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت به صورتی که در خور مقام و موقع انسان باشد، مستلزم شناخت انسان و مقام و موقع او در مراحل تطوّر نوعی و فردی است. از این رو، در آغاز کتب اخلاق از قبیل تهذیب الاخلاق، اخلاق ناصری، جامع السعادات و معراج السعاده موضوع معرفت نفس یا تجرّد نفس و قوای نفسانی مطرح گردیده است. بحث گسترده در مورد اثبات نفس و تجرّد آن در حکمت نظری یا فلسفه صورت می گیرد، و در علم اخلاق به عنوان مبادی و اصول مورد پذیرش واقع می شود. به طور کلی محور تعلیم و تربیت، روح و روان آدمیان است، چنان که جسم و ساز و کار آن در حیطه ی کار پزشکان است. هر چند بحث مبسوط درباره ی انسان در این مختصر نمی گنجد، ولی لازم است خطوط کلی انسان شناسی در ارتباط با تعلیم و تربیت را به اختصار و فهرست وار یادآور شویم [۲۱]. این خطوط کلی عبارتند از:

1. انسان، مرکب است از روح و بدن و سر و عقل.
2. اصالت، از آن روح آدمی است و روح، مجرد و مرتبط با عالم قدس است.
3. میان جسم و روح آدمی، روابط مستحکمی وجود دارد.
4. روح دارای قوای اصلی ادراکی، تمایلی، آزادی، توانایی و تحریکی است.
5. انسان در همه ابعاد، در آغاز «استعداد» و «قوه» است و قابلیت رشد و فعلیت دارد.
6. موضوع تعلیم و تربیت، روح انسان است از آن نظر که دارای استعداد و قوه است و باید به فعلیت مطلوب برسد و بدن هم نقش «اعدادی» دارد.
7. جهان بینی ها و انسان شناسی ها، در ایدئولوژی، اخلاق و تعلیم و تربیت، تأثیر مهم و منطقی و نقش تامی دارند.
8. در جهان بینی و انسان شناسی اسلام، کمال اصلی انسان «تقرب به حق» است و نیز میان دنیا و آخرت رابطه ای برقرار است که باید در همه ی شؤون منظور شود [۲۲]

اهمیت آموزش و پرورش

امروزه آموزش و پرورش بنابه ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمانهای پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشوری محسوب می شود و با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد و بتدریج از یک حالت ساده ابتدایی به یک حالت پیچیده درآمده است. ثمربخشی آموزش و پرورش از یکسو تبدیل کردن انسانهای مستعد به انسانهای سالم، بالنده، متعادل و رشد یافته است و از سوی دیگر تأمین کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخشهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. نظریه چنین اهمیتی است که در عصر کنونی، همه دولت های جهانی از کوچک و بزرگ، قدرتمند و ناتوان و صنعتی تا در حال توسعه، پرداختن به آموزش و پرورش مردم خود را در شمار وظایف اساسی می دانند و برای همگانی، سراسری و حتی اجباری کردن آن، تعهدات سنگینی در قانونهای اساسی و بنیادی خود می گنجانند و درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه جاری و عمرانی کشور را به این امر مهم اختصاص می دهند [۲۳].

¹ John Dewey

امروزه به دلیل گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فن‌آوری و پیشرفتهای صنعتی، گرایش به سازمانهای آموزش و پرورش امری فراگیر و جهانی شده است. به حدی که یکی از شاخصهای مهم رشد هر جامعه را وسعت دامنه وظایفی می‌دانند که آموزش و پرورش آن به عهده گرفته است [۲۴] استقبال روزافزون جوامع گوناگون از آموزش و پرورش سبب شده که دولت‌های مرکزی یا ایالتی یا محلی، سعی کنند با اتخاذ سیاستهای بخردانه، به آرمان مردم جامعه خویش که برخورداری از آموزش و پرورش عمومی و تخصصی است در قالب مصوبات قانونی پاسخ دهند و به این آرزوی ملی تحقق بخشند. امروزه جهانیان به این نتیجه رسیده‌اند که درباره آموزش و پرورش جز آنچه در ذیل می‌آید نیندیشند:

- آموزش و پرورش حق است همانند حق حیات. حق‌دادنی است نه گرفتنی.
- آموزش و پرورش یک سرمایه‌گذاری بلند مدت است که در سراسر عمر پدیدار می‌شود.
- آموزش و پرورش باید در سراسر عمر ارائه شود و در فراهم آوردن مناسب آن برای همگان کوتاهی نشود [۲۵].
- آموزش و پرورش با زیست انسان پیوند خورده است و هرچه زندگی پیچیده‌تر می‌شود ضرورت آموزش و پرورش افزایش می‌یابد.

- آموزش و پرورش آدمی، امری پیچیده، وقت‌گیر و پردامنه است که سرمایه‌گذاری بیشتر، برنامه‌های نظام یافته و همکاری نهادهای گوناگون جامعه را می‌طلبد [۲۶].

آموزش و پرورش از مهمترین نهادهای اجتماعی می‌باشد. در واقع، کیفیت فعالیت سایر نهادهای اجتماعی تا اندازه زیادی به چگونگی عملکرد آموزش و پرورش بستگی دارد. آموزش و پرورش در پروراندن فرد و در بالنده کردن جمع نقش حیاتی دارد. شناسایی استعدادها و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی آنها در زمینه‌های مختلف و رشد موزون و متعادل انسان در جنبه‌های عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی مسئولیتهای سنگینی است که آموزش و پرورش باید به انجام برساند. کمال انسان در گرو تربیت صحیح وی می‌باشد و آموزش و پرورش وسیله رسیدن آدمی به نهایت شرافت انسانی است [۲۷]. «کانت» فیلسوف شهیر قرن هیجدهم معتقد است: «بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد نیست. «از این رو» مساله تعلیم و تربیت بزرگترین و دشوارترین مساله‌ای است که انسان با آن درگیر است. «به‌علاوه نهاد آموزش و پرورش، باید نسل آینده را با ارزشهای اجتماعی آشنا کند، مبانی سازگاری اجتماعی را به آنها بیاموزد، در تحکیم مبانی اخلاق فردی و اجتماعی کوشش کند، آنها را به فرهنگ جامعه خود آگاه سازد و با ایجاد مهارتهای هنری، علمی و فنی یکایکشان را برای عضویت مؤثر، مفید و سازنده در جامعه آماده کند [۲۸].

آموزش و پرورش باید به رشد قوه قضاوت صحیح، مسئولیت‌پذیری، خودآگاهی و ایجاد روحیه خلاق، نقاد و متفکر در برخورد با مسائل فردی و اجتماعی بپردازد و مهم‌تر از همه، رسالت هدایت تکامل فردی و اجتماعی را در ابعاد مختلف به نحو احسن به انجام برساند [۲۹].

خواجه نصیرالدین طوسی، اهمیت آموزش و پرورش را چنین بیان کرده است:

«شرف هر صنعتی که مقصود بود بر اصلاح جوهر موجودی از موجودات به حسب شرف آن موجود تواند بود در ذات خویش، و این قضیه‌ای است در عقل عقلا ظاهر و مکشوف، و چون شریف‌ترین موجودات این عالم نوع انسان است پس صنعتی که ثمره او اکمال اشرف موجودات این عالم بود اشرف صناعات اهل عالم تواند بود. چه در نوع انسان شخصی یافته شود که احس موجودات باشد و شخصی یافته شود که اشرف و افضل کائنات بود، و به توسط این صنعت میسر می‌شود که ادنی مراتب انسانی را به اعلی مدارج رسانند به حسب استعداد و قدرت صلاحیت او، پس صنعتی که بدو احس موجودات را اشرف کاینات توان کرد، چه شریف صنعتی تواند بود. و بدین جهت افلاطون معتقد است که «عالی‌تر و مقدستر از آموزش و پرورش فنی نیست» و در اثر آموزش و پرورش، جسم و روح انسان، به بلندترین پایه جمال و کمال می‌رسد. [۳۰]

فلسفه آموزش و پرورش

فلسفه آموزش و پرورش به بررسی ماهیت و اهداف آموزش و پرورش و ابزارهای آن می‌پردازد. علاوه بر این فلسفه آموزش خود را به عنوان بخشی از «نظریه آموزش» طبقه بندی کرده و سعی در شناسایی ماهیت و ویژگیهای این نظریه کرده و به تکمیل این نظریه (هنوز ناقص) بپردازد. «نظریه آموزش» نوعی نظریه عملی است که سعی در فراهم آوردن رهنمود و روشننگری تمامی جنبه‌های مختلف آموزش (اعم از جنبه‌های تعلیمی، اخلاقی و سیاسی مربوطه) و همچنین ساختار اجتماعی و ایسته به آن دارد [۳۱] جهت دستیابی به این هدف، نظریه آموزش نیاز به فراهم کردن مفاهیم صحیح و دانش کافی از نحوه تدریس، یادگیری، روشهای ارزیابی، ساختار و نحوه تغییر و تحول سیستمهای آموزشی و اجتماعی، نقش افراد ذینفع مربوطه و مسائل نظیر آن دارد [۳۲].

مسئله آموزش طی قرنهای متمادی ذهن فلاسفه را به خود مشغول داشته‌است: به عقیده برخی معلمی (با گونه‌ای از آن) از نظر قدمت دومین پیشه انسان‌ها بوده‌است. هیچ جامعه‌ای وجود نداشته که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند زیرا شکی نیست که کودکان بی‌سواد، نادان و نامطلع از فرهنگ جامعه‌شان به دنیا می‌آیند. برخی از کودکان در یادگیری مهارتها، امکانات یا توانایی بیشتری دارند و این امر در قرار گرفتن فرد در طبقه اجتماعی و میزان در آمد وی تأثیر فراوان دارد. یادگیری همچنین به کودکان این قابلیت را می‌دهد که به صورت مستقل به سمت اهداف مورد نظرشان حرکت کنند و همچنین هویت ویژه‌ای در جامعه داشته باشند [۳۳].

تاریخچه فلسفه آموزش و پرورش در طول تاریخ با نظریاتی مختلف همراه بوده است. از نظر افلاطون: تربیت به هدف بدست آوردن شهر دادگر، شهری که هرکس به کاری که طبیعت شایستگی آن را به وی داده مشغول می‌شود. تربیت تن و روان، گرویدن به زیبایی تربیت مرحله به مرحله، برگزیدن شایستگان حین مراحل تربیتی و ادامه رشد و تربیت آن‌ها [۳۴] از دیدگاه ارسطو: کمال انسان در کمال خرد اوست. چون جامعه هدفی یگانه دارد، تربیت همگانی و یکسان افراد در آن جهت. شروع تربیت با پدیدآوردن عادات‌های خوب [۳۵]

در نظر کومینوس: هدف آن است که زندگی این‌جهانی را به خوبی بگذرانند و برای زندگی آن‌جهانی آماده شوند بنابراین آموزش دانش اخلاق و دین، شروع آموزش از خود اشیا بعد مفهوم‌ها، حرکت از نمونه‌ها به قاعده‌ها، آموزش برای زندگی است و باید به آن نزدیک باشد. بعد از پایان آموزش، پژوهش آغاز می‌شود [۳۶]

در دیدگاه جان لاک: هنر اخلاقی، دانایی و ادب ارزش‌ها هستند. هدف شایستگی اخلاقی، ایستادگی در برابر امیال و آوردن آن‌ها به فرمان خرد. روان سالم در تن سالم پس تندرستی نخستین گام است. تربیت عقلانی و تأکید روی عقل و آموزشگاه کار برای فقرا به هدف رفع آن است [۳۷]

از نظر روسو: هوش جنبه برتر انسان نیست، وجدان اخلاقی جنبه برتر است. تربیت اخلاقی آموختن اخلاق نیست، بیدار کردن و به کار آمدن وجدان اخلاقی است. تربیت دینی هم بیدار کردن محبت و ستایش خداست نه آموختن احکام. تربیت آماده شدن برای زندگی. هیچ مرحله‌ای نباید فدای دیگری شود، کودکی نباید فدای آینده شود. تجربه، بازی و ورزش اولین مرحله آموزگار باید شوق به آموختن و فهمیدن را برانگیزد [۳۸]

در نظر فروبل: کمال انسان در آگاهی از حقیقت خویش است و تربیت باید واگذارنده باشد نه بازدارنده (تأکید بر آزادی). بازی کردن طبیعی‌ترین راه برای آگاهی به خود و آگاهی بر محیط تربیت برای نمایان کردن جنبه ابدی و بی‌پایان انسان باشد [۳۹]

در دیدگاه جان دیویی: تربیت از تجربه، به وسیله تجربه و برای تجربه است و تجربه‌ای خوب است که شوق تجربه بعدی را برانگیزد. دنبال پیوستگی تجربه باشد. تربیت برای سازگار شدن با وضعیت‌های تازه و حل مشکل‌ها باشد. دادن توانایی حل مشکل نه راه حل‌ها. آموزگار تنها برای یاری و راهنمایی در پژوهش. انسان‌ها از دانش آموزش پژوهش کنند. آزادی، رفتار کردن طبق هوس‌ها و تمایلات نیست. آزادی توانایی کنترل خویش است. در نظر راسل هم: انسان نه خوب است نه بد، تربیت باید به سوی هنر رهبری کند. بنیادی‌ترین پرسش در آموزش و پرورش این است که می‌خواهیم فرزندان ما چه منشی داشته

باشند؟ در چگونه جامعه‌ای زندگی کنند؟ برای کنجکاوی محض هم جایگاهی در نظر گرفته شود. دانشگاه برای دو هدف: آماده کردن انسان‌ها برای حرفه معین و فراهم آوردن زمینه‌ای برای پژوهش و جستجوی دانش بدون توجه به سود، آماده شده باشد [۴۰]

ضرورت آموزش جامعه‌شناختی آموزش و پرورش

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش بیش از سه ربع قرن، یکی از دروس دانشگاهی رشته‌های علوم تربیتی و اجتماعی بوده است. ولی پس از تثبیت آن به عنوان یکی از شاخه‌های تخصصی رشته جامعه‌شناختی و گسترش دانش نظری و کاربردی آن، اهمیت و ضرورت آموزش آن برای دانشجویان علوم تربیتی و جامعه‌شناسی محسوس‌تر شده است [۴۱].

به طور کلی، دانش جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، می‌تواند برای والدین، معلمان و کارگزاران آموزش و پرورش، آگاهی‌های سودمندی در زمینه درک و تشخیص مسائل تربیتی و حل آنها فراهم کند. از این رو، آموزش آن در رشته‌های مختلف می‌تواند مفید باشد. با گسترش روزافزون آموزش و پرورش، دانش آموزان گوناگونی از خاستگاه‌های اجتماعی مختلف، با تفاوت‌های فردی، خانوادگی، طبقه اجتماعی، قومی و زبانی، به آموزشگاهها سرازیر می‌شوند. یکپارچه سازی آنان، در چارچوب کلاس درس و مدرسه، مستلزم فهم عمیق تفاوت‌های اجتماعی آنان و اثرات این خصایص بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی است. معلمان، مدیران آموزشی، مربیان و کارشناسان آموزش و پرورش، برای حل مسائل و مشکلاتی که این عوامل پدید می‌آورند، به ابزارهای مفهومی و مهارت‌های اجتماعی نیاز دارند تا هر یک در حوزه کار خود بتوانند با اثربخشی عمل کنند. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، دانش و معلومات لازم در این زمینه را برای آنان میسر می‌سازد [۴۲].

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش بینش کاملتری نسبت به مدرسه، جامعه و دانش آموزان فراهم می‌کند که دروس دیگر، مثل روان‌شناسی تربیتی، فلسفه آموزش و پرورش و تاریخ آموزش و پرورش به تنهایی قادر نیستند. در واقع این درس تعادلی در دانش رفتاری معلم و مربی به وجود می‌آورد که بدون آن، چنین تعادلی دشوار است [۴۳].

امروزه، کارآموزش و تربیت، بدون تکیه بر یافته‌های علمی مربوط به تاثیر عوامل اجتماعی بر یادگیری، فاقد اثربخشی لازم است. آموزش جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، در جوار سایر دروس علمی، کارگزاران آموزش و پرورش را با یافته‌های جدید، در زمینه اثرات عوامل گوناگون اجتماعی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی آشنا می‌سازد [۴۴].

مطالعه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، کارگزاران آموزش و پرورش را، از لحاظ نگرش و رفتار، از قید تنگ نظریها و تعصبات می‌رهاند؛ زیرا با وسعت بخشیدن به چشم انداز حرفه‌ای آنها؛ تجربه‌های آنها را معنا دار ساخته، آنها را نسبت به تفاوت‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی، نگرشی و رفتاری در محیط‌های آموزشی، حساس می‌سازد [۴۵].

کارگزارانی که مسئولیت خطیر سیاست‌گذاریها و تصمیم‌گیریهای تربیتی را بر عهده دارند، به مدد دانش جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، از نیروهای اجتماعی موثر بر آموزش و پرورش و طرق اثرپذیری نظام آموزش و پرورش از آنها، آگاهی پیدا کرده، و در انجام وظایف حساس خود، می‌توانند با اشراف بیشتری عمل کنند [۴۶].

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به تمام کارگزاران آموزش و پرورش کمک می‌کند که از نقشها و وظایف گوناگون موجود در محیط‌های آموزشی، در ارتباط با هدفهای آموزش و پرورش، تصویر درستی به دست آورده و ضرورت ایجاد هماهنگی بین انتظارات مختلف را درک نمایند.

سرانجام، دانش جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، همراه با روان‌شناسی تربیتی و فلسفه آموزش و پرورش، می‌تواند در تعیین هدفها و خط‌مشی‌های آموزش و پرورش، هدفهای رفتاری و عملی مدرسه و کلاس، مددکار باشد. همان‌طور که روان‌شناس تربیتی به تعیین عملکرد آموزشی فردی می‌پردازد، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌تواند به تعیین هدفهای رفتار گروهی و اجتماعی در برنامه‌های آموزشی کمک کند [۴۷].

تعریف آموزش و پرورش دوره ابتدایی

در جوامع بدوی، مجموعه میراث فرهنگی بسیار اندک بوده و سطح دانش و مهارت‌ها آن چنان وسیع نبود، در نتیجه نیازی به نظام آموزشی منسجم با سبک برنامه خاص احساس نمی‌شد. آموزش، بیشتر از طریق خانواده انجام می‌شد و جنبه غیر رسمی داشت با گذشت زمان در کشورهای مختلف، نظام‌های آموزشی رسمی با ساختار بسیار منظم و برنامه ریزی شده، شکل گرفت. در ایران با وجود تاریخ و تمدن کهن، سیستم آموزشی در طول تاریخ دچار تحول گردیده و تحولات بسیار وسیعی در مقاطع مختلف رخ داده است، البته دوره ابتدایی با این اسم، در نظام آموزشی ایران وجود نداشت. قبل از تشکیل نظام آموزشی نوین، در ایران بیشتر مکتب‌خانه و مدارس دینی وجود داشت، افراد روحانی، مکتب‌خانه را اداره می‌کردند و دروس قرآن و ادبیات فارسی به کودکان آموخته می‌شد [۴۸] بعد از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی، قانون معارف برای اولین بار تصویب شد، در نتیجه آموزش ابتدایی را به عنوان اولین مرحله ساختار نظام آموزشی نوین ایران معرفی نمود و لزوم بسط و گسترش آموزش ابتدایی نوین در تاریخ ایران، برای اولین بار مطرح شد. در سال ۱۳۲۲ طبق قانون تعلیمات اجباری، آموزش ابتدایی به عنوان یک دوره آموزش عمومی و تعلیمات اجباری، مطرح و همگانی شد. طبق ماده دوم قانون تعلیمات اجباری، طول دوره آموزش ابتدایی، شش سال تعیین شد، ولی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی، مدت این دوره به پنج سال تقلیل پیدا کرد [۴۹]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که بهترین عاملی که انگیزه شاگرد را به ادامه فعالیت‌های یادگیری تقویت می‌کند آن است که درس را خوب بفهمد شاگردی که درس را می‌فهمد از عهده امتحانات مختلف به خوبی بر می‌آید. مورد تشویق معلم و همکلاسان خود قرار می‌گیرد و همین امر انگیزه او را تقویت می‌کند. بطور کلی هر گونه رفتار تشویق آمیز از سوی معلم و فعالیت‌هایی که به موقعیت و پیشرفت دانش آموز منتهی شود، انگیزه او را تقویت می‌کند.

منابع و مأخذ

- [۱] ابراهیم کافوری، کیمیا، ملکی، حسن، خسروی بابادی، علی اکبر (۱۳۹۴)، بررسی نقش عناصر برنامه درسی کلان در افت تحصیلی ریاضی سال اول دوره متوسطه از دیدگاه شرکای برنامه درسی، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۴۴، بهار، صص ۶۲-۵۰
- [۲] ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۷۹) ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام ۳، جلد، تهران، طرح نو، چ ۲،
- [۳] اتکینسون، ریتال و همکاران؛ زمینه روان‌شناسی، رفیعی و همکاران، (۱۳۸۴) تهران، نشر ارجمند، چاپ پنجم، ج ۲.
- [۴] احدی، حسن، جمهری، ف. (۱۳۸۲). روان‌شناسی رشد نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری). تهران: پردیس
- [۵] احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات؛ (۱۳۸۰) روان‌شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک؛ چاپ سیزدهم، شرکت پردیس.
- [۶] احدیان، محمد و آقازاده، محرم، (۱۳۹۹) راهنمای روشهای نوین تدریس برای آموزش و کارآموزی، تهران، آیش،
- [۷] احمدوند، محمدعلی (۱۳۷۲) روان‌شناسی بازی، دانشگاه پیام نور چاپ اول
- [۸] احمدی، پروین (۱۳۹۰)، طراحی الگوی برنامه درسی تلفیقی و مقایسه آن با برنامه‌های درسی موجود دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران، پایان‌نامه دکترا/ برنامه ریزی درسی، دانشگاه تربیت مدرس،
- [۹] احمدی، سید احمد (۱۳۷۵) روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تهران، مشعل
- [۱۰] احمدی، محسن، روان‌شناسی پرورش و تربیت کودک، اصفهان، انتشارات شهید حسین فهمیده، چاپ دوم، ۱۳۸۴
- [۱۱] ارضی و همکاران، (۱۳۷۹) روان‌شناسی فیزیولوژیک (فیزیولوژی رفتار)، تهران، رشد، ج ۱،

- [۱۲] ارنست هیلگارد و گوردن باور، نظریه‌های یادگیری، ترجمه محمد تقی براهنی (۱۳۶۷)، جلد اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- [۱۳] آزاد، حسین؛ (۱۳۷۲) آسیب‌شناسی روانی؛ تهران، انتشارات بعثت.
- [۱۴] استاین برگ، دنی، در آمدی بر روانشناسی زبان، ترجمه دکتر ارسلان گلغام، (۱۳۸۱) تهران: انتشارات سمت.
- [۱۵] استیپک، دیبوراچی، (۲۰۱۷)، انگیزش برای یادگیری، از نظریه تا عمل، ترجمه ی رمضان حسن زاده و نرجس عموی، (۱۳۹۹) دنیای پژوهش، تهران،
- [۱۶] استیو، هین، هوش هیجانی برای همه، ترجمه رویا کوچک انتظار و مژگان موسوی شوشتری، (۱۳۸۴) تهران، ترجمه خلاق.
- [۱۷] اسکیدمور، ویلیام، (۱۳۷۳) تفکر نظری در جامعه‌شناسی، نشر سفیر،
- [۱۸] اسلامی، محسن (۱۳۸۳). قابلیت‌های آموزشی شبکه جهانی، میزان دسترسی، استفاده از آن و دیدگاه دانش آموزان و دبیران دوره دبیرستان، انجمن برنامه ریزی درسی ایران.
- [۱۹] اسمیت فیلیپ جی، فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه سعید بهشتی، (۱۳۷۰) انتشارات آستان قدس رضوی
- [۲۰] آشوری، داریوش، (۱۳۸۱)، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، موسسه نشر آگاه،
- [۲۱] افتخاری، اصغر، (۱۳۸۳) مجموعه مقالات جهانی شدن، بحرانهای فراگیر نظام آموزشی - تربیتی در عصر جهانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- [۲۲] افروز، غلامعلی و کامبیز کامکاری، (۱۳۸۷) مبانی روان‌شناختی هوش و خلاقیت؛ تاریخچه، نظریه‌ها و رویکردها، تهران، دانشگاه تهران
- [۲۳] آقازاده، احمد (۱۳۶۹)، مسائل جهانی آموزش و پرورش، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- [۲۴] آقازاده، محرم (۱۳۷۹) راهنمای روش‌های نوین تدریس بر پایه پژوهش‌های مغز محوری، تهران، پوران پژوهش
- [۲۵] اکبری شورابی، حمید، (۱۳۹۱) ایمان‌گرایی از منظر غزالی و کرکگور، دانشگاه خوارزمی،
- [۲۶] امیل دورکیم، تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، (۱۳۷۶) دانشگاه تهران،
- [۲۷] انتصارفومنی، غلامحسین و همکاران، (۱۳۸۴) روان‌شناسی عمومی، تهران، سرافراز، چاپ اول.
- [۲۸] آندره بلوش، مارک؛ رشد روانی - عاطفی کودک؛ ترجمه‌ی فرشته توکلی، (۱۳۷۷) نشر واژه‌ی صبح.
- [۲۹] ایور موریش، درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، (۱۳۷۳) نشر دانشگاهی، تهران،
- [۳۰] بابائیان، فرزانه، (۱۳۹۱) رابطه دین و اخلاق از دیدگاه غزالی، دانشگاه خوارزمی،
- [۳۱] باتامور، تی، بی (۱۳۵۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی کلجاهی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی،
- [۳۲] باقری نوع پرست، خسرو (۱۳۸۶) نوع‌گرایی و فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات دانشگاه تهران،
- [۳۳] باقری نوع پرست، خسرو (۱۳۸۹) الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مدرسه،
- [۳۴] باقری، خسرو و خسروی، زهره؛ (۱۳۸۷) نظریه‌های روان‌شناسی معاصر (به سوی سازه‌گرایی واقع‌گرایانه)، تهران، علم، چاپ اول،
- [۳۵] بولر، پیتر، چارلز داروین و میراث او، ترجمه حسن افشار، (۱۳۸۰) نشر مرکز، چاپ اول
- [۳۶] براهنی، محمدتقی و همکاران، (۱۳۸۳) زمینه روان‌شناسی، چ دهم، تهران، رشد، ج ۱،

- [۳۷] برتراند راسل ، تاریخ فلسفه غرب ، ترجمه نجف دریا بندی ، (۱۳۸۰) کتاب اول
- [۳۸] برک ، لورای؛ روان شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، جلد اول؛ ترجمه ی یحیی سید محمدی، (۱۳۸۴) چاپ پنجم ، نشر ارسباران
- [۳۹] بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا؛ وایروانی، محمد؛ (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی؛ مجله روانشناسی شماره ۱۹، ص ۳۳-۴۵
- [۴۰] بهشتی ، سعید(۱۳۸۶)، زمینه ای برای باز اندیشی در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات ویرایش
- [۴۱] بهشتی، احمد (۱۳۷۷) تربیت کودک در جهان امروز، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم،
- [۴۲] بوخنسکی، م (۱۳۶۱)، مقدمه‌ای بر فلسفه، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران، نو،
- [۴۳] بیگم حائزاده، خیریه (۱۳۹۳) یادگیری از طریق همیاری، تهران، انتشارات تربیت
- [۴۴] پاتریک اسلاتری. (۱۳۹۳) کتاب برنامه ریزی درسی در عصر پست مدرن. ترجمه صمد ایزدی، مصطفی قادری و فاطمه حسینی. انتشارات آورای نور
- [۴۵] پارسا، فریدون . (۱۳۸۱). فن آوری های جدید ارتباطات و کاربرد آن در آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- [۴۶] پارسا، محمد(۱۳۷۴) روان شناسی یادگیری بر بنیاد و نظریه ها ، انتشارات بعثت ، تهران .
- [۴۷] پارسا، نسرين (۱۳۸۰) هوش هیجانی، چ سوم، تهران، رشد ،
- [۴۸] پاشا شریفی، حسن، (۱۳۹۳) ، شیوه های ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان ، دفتر برنامه ریزی و تألیف کُتب درسی، تهران
- [۴۹] پاول هنری ماسن...، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، (۱۳۸۰) تهران، نشر مرکز، کتاب ماد